

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

کلام مرحوم حائری در درر الفوائد

نظیر فرمایش مرحوم محقق خوئی در کلمات مرحوم محقق حائری در درر الفوائد نیز آمده است. یا هر دو بزرگوار از استادشان اخذ کردند یا اینکه هر دو در تعریف و بیان ضابطه برای حکومت یک نظر را دارند. ایشان مسئله‌ی تعرض را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند اینکه دلیلی بر دلیل دیگر حاکم است به خاطر شارحیت لفظی دلیل حاکم و به عنوان مفسر برای دلیل محکوم نیست؛ بلکه بخاطر این جهت است که دلیل حاکم متعرض امری می‌شود که دلیل محکوم متعرض او نشده^[۱].

کلام مرحوم امام

مرحوم امام (رضوان الله علیه) فرمایش نائینی و استادشان را مقداری منسجم‌تر و استدلالی‌تر بیان کردند. می‌فرمایند قبول نداریم که دلیل حاکم مفسر و شارح محکوم است «تقدم دلیل علی آخر بین التقدم الظهري و علی نحو الحكومة حاصر دائر بین النفي و الإثبات» اگر دلیلی متعرض دلیل دیگر می‌شود این حصر عقلی بین نفی و اثبات وجود دارد.

بیان حصر عقلی این است «لأن أحد الدليلين إما أن يتعرض لنفس نسبة التي تعرضها الدليل الآخر أو لا يتعرض» می‌فرماید دلیلی که متعرض دلیل دیگر است یا متعرض آن نسبتی است که در دلیل دیگر آمده یا متعرض نسبت نیست که معنای حصر بین نفی و اثبات همین است.

جایی که متعرض نسبت است مثل اینکه یک دلیل گفته حرم الربا - بین ربا و حرمت نسبتی قرار می‌دهد - و در مقابل دلیل دیگر در این نسبت کم و زیاد می‌کند. جایی که متعرض نیست نیست هم یا اصلاً متعرض دلیل دیگر نیست مثلاً یک دلیل دیگر می‌گوید الکذب حرام و کاری به نسبت بین حرمت و ربا ندارد. «إما أن لا يتعرض للدليل الآخر رأساً و إما أن يتعرض لحيثية أخرى غير النسبة» یا متعرض یک حیثیتی غیر از نسبت است. «التي لم يتعرض لها الدليل الآخر من الامور الواقعة في سلسلة إلى الاحكام أو معلولاتها». مثلاً مولا موضوع را تصور و تصدیق می‌کند. تصور و تصدیق موضوع از اموری است که در سلسله علل وجود دارد. سلسله‌ی معلول یعنی آنکه بعد از حکم است که اگر حکمی آمد اعاده لازم هست یا نه؟ تکرار لازم هست یا نه؟ که اینها را سلسله معلول می‌گویند.

می‌فرماید «فلو تعرض لجهة من هذه الجهات» اگر دلیلی متعرض دلیل دیگر شد اما کاری به نسبت بین موضوع و محمول نداشت، بلکه متعرض یک حیثیت دیگری شد - یعنی امور مربوط به علل احکام یا معلولات - عنوان حکومت دارد. همان بیان نائینی که مرحوم آقای خوئی هم آمدند آن را بیشتر توضیح دادند و روشن‌تر کردند. همان بیان در کلمات مرحوم آقای حائری و در کلمات امام هم آمده. اینها هم پذیرفتند که حکومت کاری به لفظ ندارد و اینکه یک دلیلی بیاید به دلالت لفظی دلیل دیگر را

تفسیر کند که در عبارات مرحوم شیخ آمده، نیست. البته مرحوم آقای حائری در آخر می‌فرمایند بعید نیست که مراد واقعی مرحوم شیخ اعظم انصاری هم همین که ما می‌گوئیم باشد اما عبارات شیخ ظهور در این ندارد.

یا در مثال اکرم العلما، بعد می‌گوید لا تکرّم النحویین اینجا تعارض است چون متعارض نسبت شده. موضوع و محمول در هر دو قضیه یکی است، او می‌گوید اکرم العلما که نحوی‌ها هم داخلش هستند، این می‌گوید لا تکرّم النحویین، در قضیه اول بین نحویین و اکرم نسبت وجوبی است و در قضیه‌ی دومی بین لا تکرّم و نحویین نسبت تحریم است می‌شود تعارض.

اما اگر به جای لا تکرّم النحویین گفت النحویّ لیس بعالم این دیگر متعارض نسبت نیست، النحوی لیس بعالم نسبت بین آن موضوع و محمول را خراب نمی‌کند بلکه در آن موضوع که به عنوان سلسه‌ی علل هست تصرف می‌کند و می‌گوید نحوی عنوان عالم را ندارد. امام (رضوان الله تعالی علیه) در باب تقدیم یک دلیل بر دلیل دیگر دو چیز را بیشتر قبول ندارند. می‌فرمایند یا از باب اقواییت است یا از باب حکومت که این مبنا را در جای خودش باید مورد بررسی قرار بدهیم.

تا اینجا چهار نفر را پیدا کردیم که مشترک المینا هستند. مرحوم نائینی و مرحوم آقای خوئی، حائری، امام و صدر قدس سرهما.

کلام مرحوم صدر

مرحوم آقای صدر (قدس سره) در اوایل تعادل و تراجیح بیانی دارند ولی در جایی دیگر به استدلال نائینی و آقای خوئی مناقشه می‌کنند. ایشان کلام نائینی و کلام خوئی را دو دلیل برای بیان حکومت قرار دادند. با دقتی که کردیم گفتیم روح کلام آقای خوئی متخذ از کلام نائینی است و فرقی بین اینها نیست.

ایشان ابتدا بیانی از آقای خوئی نقل می‌کنند که همان بازگشت قضایای حقیقیه به قضایای شرطیه است. مرحوم آقای خوئی فرمودند حرّم الربا یا حرّم الله الربا روح به وجود جزا عند تحقق الشرط برمی‌گردد یعنی اگر ربا موجود شد حرمت می‌آید ولی فرمودند دلالت ندارد بر اینکه آیا این شرط محقق است یا نه؟ بعد فرمودند لا ربا بین الوالد و الولد می‌گوید بین والد و ولد اگر اضافه‌ای رد و بدل شد در قرض، ربا نیست چون دلالت بر عدم تحقق تالی دارد در نتیجه این دو با هم تنافی ندارد. چون یک قضیه دلالت دارد بر ثبوت معلّق عند تحقق المعلق علیه دارد و قضیه دیگر می‌گوید معلق علیه هست یا نیست. لذا بین دو قضیه تنافی مدلولین وجود ندارد برخلاف آخوند که می‌گوید در موارد حکومت بین حاکم و محکوم تنافی مدلولین وجود دارد. امام و مرحوم آقای حائری نمی‌گویند دو جور حکومت داریم. ولو ظاهر کلام نائینی قابلیت تقسیم به دو نوع را دارد اما روح کلام نائینی این است که حکومت تفسیریه نداریم.

آقای نائینی و آقای خوئی هم در امارات و اصول و هم در احکام واقعیه این را می‌گویند و برای ضابطه در هر دو می‌گویند دلیل حاکم «متعرضٌ لجهةٍ لم يتعرض الدلیل المحکوم». بازگشت قضایای حقیقیه به شرطیه طبق نظر آقای خوئی هم در حکومت تفسیریه و هم در حکومت تصرفیه مطرح می‌شود. هر چند ایشان اول حکومت لفظیه و تفسیریه را گفتند و بعد تصرفیه را مطرح کردند و این بیان هم در ذیل تصرفیه مطرح شد ولی وقتی روی استدلال دقت کنیم می‌بینیم مربوط به هر دو است و در هر دو این جهت وجود دارد.

اشکال مرحوم صدر به مرحوم خوئی

مرحوم آقای صدر می‌فرمایند ربا در «حرّم الله الربا» یا مراد ربای به نظر شارع است یا ربای حقیقی است. اگر ربا، ربای به نظر شارع باشد یعنی ربایی که شارع می‌گوید حرام است، در نتیجه ربای بین والد و ولد حقیقتاً در نزد شارع ربا نیست که لا ربا

بين الوالد و الولد باید بر حرّم الله الربا ورود داشته باشد برای اینکه رفع حقیقی است. چرا به این قسم حکومت می گوئید؟ و اگر ربای حقیقی است بین این دو دلیل در مدلول تنافی به وجود می آید و تعارض محقق می شود^[2].

بررسی کلام مرحوم صدر

دیروز به برداشت آقای خوئی از کلام نائینی را اشکال کردیم و گفتیم درست است ظاهر کلام قابلیت تقسیم حکومت به دو قسم را دارد ولی طبق ضابطه ای که نائینی برای تمام موارد حکومت ارائه می دهد، باید دلیل حاکم متعرض امری شود که دلیل محکوم متعرض او نشده.

آقای صدر روی ظاهر مصباح الاصول جلو آمدند و این دقت را فرمودند در نتیجه به این بیان آقای خوئی اشکال کردند. اما کسانی که در ضابطه می گویند یک دلیل متعرض جهتی بشود که دلیل دیگر متعرض آن جهت نیست، اشکالش این است که مجرد اینکه یک دلیل متعرض عنوانی شود که آن دلیل نیست سبب برای تقدم نمی شود.

«نعم، هذا يستلزم النظر إلى المحكوم فيتقدم عليه بملاك القرينية الشخصية» آقای صدر هم تقریباً مثل مرحوم شیخ انصاری حاکم را روی ناظر بودن و مفسر بودن جلو می آورد که بیان ایشان راهم عرض می کنیم.

به مرحوم آقای صدر عرض می کنیم که ملاک را اگر با قطع نظر از بیان نائینی بگیرید و بگوئید «حرّم الله الربا» توسط «لا ربا» تفسیر می شود مبتلا به چیزی می شوید که مرحوم نائینی از آن ابا داشت چون فرمود لا ربا بین الوالد و الولد تصرفی در مدلول لفظی نمی کند. می گوئیم جناب آقای صدر این ربا ربای شرعی، حقیقی یا عرفی را معنا نمی کند بلکه شارع می گوید اینجا اصلاً ربا محقق و موجود نیست.

حرف آقای نائینی و خوئی این است که قضیه شرطیه دلالت بر فعلیت جزا عند فعلیت الشرط دارد؛ مثلاً قضیه شرطیه می گوید اگر زید آمد عمرو هم می آید اما اینکه آیا زید می آید یا نمی آید را دلالت ندارد. اگر قضیه ای گفت وقتی غلام زید آمد یعنی زید هم آمده، این می شود حاکم. لذا این اشکال مرحوم آقای صدر قابل جواب نیست.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] □ در الفوائد (طبع جدید)، ص: 619؛ و لنقدم الكلام في بيان ضابط الحكومة بما عندنا، ثم نتعرض لوجه تقديم الامارات و الادلة على الاستصحاب و على سائر الاصول التعبدية، و انه هل هو من جهة الحكومة او الورود؟ و ما توفيقى الا بالله. اعلم أن المراد من قولنا: دليل كذا حاكم على كذا، انه يقدم عليه من دون ملاحظة الاخصية و الاظهرية، بل يقدم بواسطة أدنى ظهور انعقد له....

[2] □ بحوث في علم الأصول، ج 7، ص: 165: الحكومة عبارة عن نظر أحد الدليلين إلى الآخر بمعنى اشتماله على خصوصية تجعله ناظرًا إلى مدلول الدليل الآخر و محدداً للمراد النهائي منه. و من هنا نستطيع أن نعتبر الحكومة عبارة عن القرينية الشخصية لأحد الدليلين على الآخر حيث يكون الدليل الحاكم مشتملاً بحكم نظره إلى الدليل المحكوم على ظهور ثان زائداً على ظهوره الأول المخالف مع مفاد الدليل المحكوم و هو الظهور في أن المتكلم يجعل الظهور الأول هو المحدد النهائي لمرامه من الدليل المحكوم....